

| معرفی کتاب «کاپوچینو در رام الله»

نور امید خاموش نمی شود



● عنوان: **کاپوچینو در رام‌الله**

● نویسنده: **سعاد امیری**

● ناشر: **انتشارات روایت فتح**

● تعداد صفحات: **۱۵۵**

● توضیحات:

مقاومت فقط در نبرد مستقیم نیست؛ بلکه در ادامه زندگی، در نگه داشتن امید و در پیدا کردن شادی‌های کوچک هم معنا پیدا می‌کند. «کاپوچینو در رام‌الله» حکایت این امیدهاست.

فکر کن در شهری زندگی کنی که هر روزش پر از دیوارهای بلند، ایست‌های بازرسی و سربازهای مسلح باشد؛ جایی که حتی برای رفتن به خانه دوستت یا خرید ساده از مغازه سر کوچه، باید کارت شناسایی نشان بدهی و ساعت‌ها در صف بمانی. حالا تصور کن در همین شهر، مردم همچنان جشن می‌گیرند، قهوه درست می‌کنند و برای فردا رؤیا می‌سازند. این تضاد عجیب، همان چیزی است که در کتاب «کاپوچینو در رام‌الله» نوشته سعاد امیری روایت می‌شود.

فلسطین از نگاه سعاد

سعاد امیری، نویسنده کتاب «کاپوچینو در رام‌الله»

سال‌ها در رام‌الله، یکی از شهرهای فلسطین زندگی کرده و با زبانی پر از طنز و شوخ‌طبعی، خاطرات روزانه‌اش را در این کتاب نوشته؛ خاطراتی که هم خنده به لب آدم می‌آورد و هم دل را می‌لرزاند.

او قصه‌هایی تعریف می‌کند که از دل زندگی روزانه بیرون آمده‌اند؛ قصه‌هایی که شاید در ظاهر خیلی معمولی به نظر برسند، اما وقتی در متن یک سرزمین اشغال‌شده روایت می‌شوند، معنایی تازه پیدا می‌کنند. این کتاب، درباره جنگ و سیاست به شکل رسمی نیست، بلکه درباره آدم‌هایی است که زیر سایه جنگ و اشغال هم هنوز می‌خواهند مثل همه مردم دنیا زندگی کنند.

زندگی ادامه دارد

وقتی این کتاب را می‌خوانی، مدام میان خنده و بغض جابه‌جا می‌شوی. امیری از موقعیت‌هایی می‌نویسد که گاهی آن‌قدر عجیب و تلخ‌اند که راهی جز خندیدن باقی نمی‌ماند؛ مثلاً وقتی از ایست بازرسی عبور می‌کند و سربازی جوان با بی‌حوصلگی کارت شناسایی‌اش را نگاه می‌کند، احساس می‌کند همه زندگی‌اش روی یک کارت کوچک خلاصه شده؛ اما به جای ترس یا عصبانیت، به او لبخند می‌زند یا وقتی بالاخره از این‌همه محدودیت به خانه برمی‌گردد، برای مهمان‌ها کاپوچینو درست می‌کند؛ انگار می‌خواهد

به خودش و به دنیا نشان بدهد که زندگی، حتی اگر تلخ باشد، هنوز ادامه دارد.

طنز در این کتاب فقط برای خندانیدن نیست؛ در واقع، یک جور مقاومت نرم است. مردمی که در زندگی روزانه‌شان مدام با محدودیت روبه‌رو هستند، با شوخی و خنده، تلخی‌ها را تاب می‌آورند. امیری با کلماتش این حس را منتقل می‌کند که شادی و امید، حتی زیر سخت‌ترین فشارها هم خاموش نمی‌شود. این همان چیزی است که کتاب را برای مخاطبان جذاب و الهام‌بخش می‌کند. وقتی ما قصه‌های او را می‌خوانیم، می‌بینیم که مقاومت همیشه در میدان جنگ یا سیاست نیست؛

گاهی همین است که لبخند بزنی، عروسی بگیری،
به دوستان سر بزنی یا یک فنجان قهوه درست کنی
و بگویی: «من هنوز اینجام.»

کتابی برای همه مردم

نویسنده با نگاه زنانه و دقیقش، جزئیات کوچکی
از زندگی را نشان می‌دهد که شاید در هیچ
گزارش خبری دیده نشود؛ مثلاً لحظه‌هایی که
خانواده‌ها دورهم جمع می‌شوند یا وقتی در میانه
همه محدودیت‌ها جشن عروسی برگزار می‌کنند. او با
قلمش زندگی را همان‌طور که هست ثبت می‌کند: پر از
تلخی و شیرینی، پر از خنده و بغض. همین ترکیب است
که باعث می‌شود کتاب «کاپوچینو در رام‌الله» نه تنها

برای مردم فلسطین، بلکه برای خوانندگان سراسر دنیا جذاب باشد.

این اثر یکی از کتاب‌های مهم ادبیات معاصر فلسطین به شمار می‌آید؛ چون زاویه تازه‌ای را نشان می‌دهد. پیش از این، بیشتر آثار درباره فلسطین پر از جنگ و سیاست و مقاومت نظامی بودند؛ اما این کتاب، با روایت زندگی روزمره، ثابت می‌کند که مقاومت فقط در نبرد مستقیم نیست، بلکه در ادامه زندگی، در نگه داشتن امید و در پیدا کردن شادی‌های کوچک هم معنا پیدا می‌کند.

«کاپوچینو در رام‌الله»، تجربه‌ای است که هر کس

می‌تواند از آن نکته‌ای یاد بگیرد. از شوخی‌های ساده‌ای که به مقاومت تبدیل می‌شوند، تا لحظه‌های تلخی که با یک فنجان قهوه و یک لبخند آرام می‌شوند. این کتاب درنهایت ما را به فکر فرو می‌برد که زندگی، حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌تواند ادامه داشته باشد و حتی زیبا باشد، اگر تصمیم بگیریم تسلیم نشویم.

خوانش بخشی از کتاب

بدجوری عاشق شده بودم. فقط می‌خواستم با او باشم. او در رام‌الله بود و من در ادینبورو. مادرش از روی صورت حساب‌های تلفن بو برد بین ما عشقی هست. بعد از هر تلفن عجیب احساس می‌کردم خالی شده‌ام. بعد هم خیالات به مغزم هجوم می‌آورد.

اگر فرماندار اسرائیل به من مجوز رفتن به رام الله را ندهد چه؟ اگر به سلیم اجازه ترک کشور و آمدن به ادینبورو را ندهد چه؟ اصلاً به یک فرماندار نظامی چه مربوط است که در رابطه عشقی کسی دخالت کند. عشق روزافزون به محبوبم و ترس و نگرانی‌های ناشی از آن، اغلب باعث می‌شد فراموش کنم که اصلاً برای چه کاری به ادینبورو آمده‌ام.

وای خدایا! تز دکترایم چه؟ اگر دیگر هیچ وقت نتوانم به فلسطین برگردم، چطور می‌توانم در مورد معماری بومی فلسطین بنویسم؟